

بررسی و تحلیل جرم‌شناختی ترمرد نسبت به مأموران پلیس (مورد مطالعه: استان فارس)

احمد رضا استوار^۱، امیر پاک نهاد^۲، مهدی هوشیار^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۴
تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۱۳

از صفحه ۱۰۷ تا ۱۳۲

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال دوازدهم،
شماره چهارم (پیاپی چهل‌هشتم)، زمستان ۱۳۹۸

چکیده

مقدمه: شناخت عوامل وقوع جرم فرایندی چندبعدی است. وقوع جرم ترمرد علیه مأموران دولتی در لباس پلیس به لحاظ اینکه جرمی خاص از جهت شرایطی که بزه‌دیده این جرم دارد، جای تأمل و تعمق بیشتری دارد. بدون تردید اعمال مدیریت مؤثر بر پلیس مستلزم شناخت پیچیدگی‌های رفتاری مخاطبین و مراجعه‌کنندگان و اتخاذ تدابیر و روش‌های مناسب رفتاری و استفاده از الگوهای مهارتی مناسب جهت کنترل و مهار ایشان است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه، کیفی و با استفاده از بررسی اسنادی تعداد ۸۲ پرونده ترمرد در فرماندهی انتظامی استان فارس و انجام مصاحبه عمیق با نخبگان درون و بیرون‌سازمانی و بزهکاران و بزه‌دیدگان جرم ترمرد صورت پذیرفته است.

یافته‌ها: وقوع ترمرد را ابتدا باید در بطن یک تعامل اجتماعی بین مردم و پلیس مورد مطالعه قرار داد. آنچه وقوع ترمرد در بطن یک تعامل اجتماعی بین مردم و بخشی از جامعه را آغاز می‌کند، قانون‌گریزی است که خود واجد عوامل مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. ورود قانون‌گریزی به تعامل مدنظر ابعاد و آثار مختلفی را می‌تواند در پی داشته باشد. وقوع خشونت در این تعامل، به سبب قانون‌گریزی امری محتمل است که قانون‌گذار از این اقدام به‌عنوان ترمرد نام برده و برای آن مجازات تعیین کرده است. عوامل فردی، روانی، اجتماعی و محیطی مهم‌ترین عواملی هستند که وقوع خشونت و ترمرد علیه پلیس را بر مبنای این عوامل می‌توان مورد بحث قرار داد.

نتیجه‌گیری: مهم‌ترین عوامل وقوع ترمرد علیه مأموران انتظامی، عوامل فردی، روانی، اجتماعی و محیطی هستند که در وهله نخست قانون‌گریزی و سپس، خشونت علیه پلیس را به دنبال دارد. از این‌رو، رفع بخشی از مشکلات مرتبط با عوامل مذکور تا حد زیادی می‌تواند وقوع تعدی و ترمرد علیه پلیس را کاهش دهد.

کلیدواژه‌ها: ترمرد، مأموران انتظامی، استان فارس، عوامل جرم‌شناختی، خشونت، تعامل.

۱- دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران: ar.ostovar1۳۹۵@gmail.com

۲- استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول): am.paknahad@gmail.com

۳- استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران: criminallaw۹۳@gmail.com



مقدمه

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای مسئول امنیت داخلی کشور به شمار می‌رود. بدیهی است پلیس به‌عنوان اولین و اصلی‌ترین نهاد مرتبط با امنیت در ابتدای صف برخورد با ناامنی بوده و نخستین و البته بیشترین میزان آسیب نیز متوجه آن باشد. از این‌رو، کارکنان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر مسائل ذاتی و مشکلات خاص مشاغل نظامی و امنیتی، به جهت ارتباط دائمی با افراد جامعه، به‌خصوص گروه مجرمان و افراد خطرناک، همواره در معرض آسیب‌های جسمی و روحی ناشی از عوامل بیرونی نیز قرار دارند. آمارهای بررسی شده در پنج سال اخیر نشان می‌دهد سالانه تعداد زیادی از کارکنان ناجا به‌واسطه انجام مأموریت‌های سازمانی، به علت ترمرد صورت گرفته نسبت به آنان شهید شده یا فوت کرده‌اند و یا دچار آسیب‌های جسمی و روحی منجر به طرح در شورای پزشکی ناجا شده‌اند که از این‌بین، سهم استان فارس به‌عنوان یکی از متراکم‌ترین استان‌های کشور سهم بالایی است. به‌نحوی که برابر بررسی‌های میدانی نگارنده، در سه سال اخیر این استان همواره جز پنج استان اول کشور در خصوص آسیب‌دیدگی کارکنان پلیس بوده است.

«ترمرد» نسبت به مأموران که از آن تحت عنوان «تعدی»، «حمله»، «تجاوز» و... نیز نام برده‌اند، در قوانین جزایی ایران جرم شناخته شده و برای آن مجازات تعیین شده است. در واقع، اولین قانون جزایی ایران که ترمرد را به‌عنوان جرم عمومی مطرح کرد، قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ ه.ش و در مواد ۱۶۰ و ۱۶۱ این قانون بود؛ سپس در سال ۱۳۵۰ قانون‌گذار در ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق سلاح و مهمات و قاچاقچیان مسلح به جهت اهمیت جرم قاچاق سلاح، ترمرد قاچاقچیان اسلحه را تابع قانون خاص قرار داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۲ قانون تعزیرات به تصویب رسید که در مواد ۸۴ و ۸۵ آن ترمرد، جرم‌انگاری گردید. با انقضای اعتبار قانون اخیر، قانون تعزیرات در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسید. ماده ۶۰۷ این قانون، هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام‌وظیفه آنان به عمل آید ترمرد محسوب و برای آن مجازات تعیین نموده است (محسنی، ۱۳۸۴: ۱۶).

صرف‌نظر از مسائل قانونی مرتبط با جرم «تعدی و تمرد نسبت به مأمورین دولتی» بسیاری بر این باورند که مقاومت یا حمله در برابر مأموران دولت که در حال انجام وظایف حاکمیتی هستند، در واقع، مخالفت و مقابله با دولت است که پیامد آن تزلزل قدرت ملی، ناامنی و حتی تخریب سایرین به ارتکاب چنین اعمالی است؛ بنابراین تحکیم و حفظ اقتدار حاکمیت، ملازمه با جرم‌انگاری آن و تعیین مجازاتی متناسب برای کسانی است که مانع اجرای اعمال حاکمیتی می‌شوند (شاگری و رستگاری، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

در موضوع «ارتکاب جرم تعدی و تمرد علیه مأموران» علاوه بر لزوم بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی و حقوقی مرتبط، شناخت دقیق و جامع و کامل این پدیده مجرمانه امری لازم و ضروری است. از این‌رو، توجه به عوامل مؤثر در بروز جرم تمرد نسبت به مأموران انتظامی، امری مهم و ضروری می‌نماید. اصطلاح «عامل جرم‌زا» رایج‌ترین اصطلاح جرم‌شناسی است و هیچ اصطلاح دیگری به کثرت کاربرد آن در این دانش مورد استعمال ندارد؛ زیرا جرم‌شناسی را با «مسامحه» می‌توان در «شناخت عوامل جرم‌زا» خلاصه کرد. «عامل» هر وضع جسمانی یا روانی یا اجتماعی را گویند که می‌تواند در پیدایش یا افزایش جرم نقشی مؤثر داشته باشد؛ اما این تأثیر مطلق نیست و در تمام موارد نمی‌تواند قاطعیت داشته باشد. در بروز بزهکاری و عوامل گوناگون جرم‌زا که شمرده خواهد شد، یک رابطه قطعی و دقیق و جزمی نمی‌توان یافت. با این وجود، هریک از عواملی را که بر شماریم، به‌عنوان «عامل» تحت بررسی قرار می‌گیرد نه «علت»، و آنچه در این رهگذر مسلم و تردیدناپذیر می‌نماید این است که فقط یک عامل درونی یا بیرونی وجود ندارد که همیشه و به‌طور مطلق موجب سوق شخص به تبهکاری باشد (کی‌نیا، ۱۳۸۸: ۶۳).

از این‌رو، در مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال خواهیم بود که مهم‌ترین عوامل جرم‌شناختی تعدی و تمرد علیه مأموران انتظامی استان فارس کدام‌اند؟ این عوامل در چه شکلی قابل دسته‌بندی می‌باشند؟ و چه راهکارهایی برای کاهش وقوع این جرم با توجه به عوامل شناسایی شده قابل طرح است؟



پیشینه و مبانی نظری پژوهش

پیشینه پژوهش

دعاگویان (۱۳۸۴)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در تعرض به پلیس» به این نتیجه رسیده که نوع تعرض به پلیس با متغیرهایی همچون میزان محرومیت نسبی مخاطبان، میزان اعتماد مخاطبان به پلیس، انگیزه‌های شغلی مأموران و نیز زمان و مکان تعرض، رابطه معنی‌داری دارد.

امینی‌نیک (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان «تمرد نسبت به مأمورین در حقوق کیفری ایران» ابتدا مفاهیم حقوقی و فقهی تمرد را بررسی و مقایسه کرده و سپس، معایب و نواقص قوانین جزایی ایران در خصوص تمرد را بیان می‌کند. وی در این پژوهش حقوقی به این نتیجه رسیده که جرم تمرد واجد برخی اشکالات حقوقی است که طی اصلاحات قانونی باید مدنظر قانون‌گذار قرار گیرد.

محسنی (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی» به این نتیجه رسیده که بین ویژگی‌های شخصیتی افراد، آموزش و آگاهی افراد از قوانین، ضعف و خلأ قوانین، بی‌هنجاری، مشکلات قانون‌گریزی و اجباری بودن قوانین با قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارند.

پورمنافی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «تبیین ارتباط بین پلیس و مردم در بستر طرح انضباطی» به این نتیجه رسیده‌اند که مصادیق پلیسی ارتباط پلیس با مردم در بستر طرح انضباط اجتماعی مطابق الگوی برلو با میانگین بالایی مورد تأیید کارشناسان بوده است و پلیس باید حداکثر مهارت‌های ارتباطی را داشته و همچنین با تمام وجود از احساس، کلام و رفتار غیرکلامی استفاده کند تا بتواند ضمن برقراری ارتباط مناسب با شهروندان، مأموریت‌ها و وظایف خود را به‌خوبی انجام دهد.

عامری (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «عوامل سازمانی مؤثر بر کاهش تلفات انسانی در ناجا» به این نتیجه رسیده که عوامل سازمانی مؤثر بر کاهش تلفات انسانی در ناجا شامل پنج بعد اصلی: عوامل مدیریتی، فرهنگ‌سازمانی، ایمنی و بهداشت، ساختار سازمانی و نهایتاً آموزش است.

آنچه تحقیق حاضر را از پژوهش‌های مورد اشاره در بالا متمایز می‌سازد، در وهله نخست، تلاش برای شناسایی وقوع جرمی است که نه تنها منابع انسانی پلیس، بلکه امنیت عمومی جامعه را با مخاطره روبرو می‌سازد؛ ضمن اینکه این مهم به صورت تخصصی و از دیدگاه جرم‌شناختی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. وجه تمایز دیگر این است که این مهم در جغرافیای استان فارس و با بررسی اسناد و پرونده‌های واقعی، ضمن انجام مصاحبه‌های عمیق با افرادی که به نوعی با تعدی و تمرد ارتباط داشته‌اند، انجام شده است. از این رو، پژوهش حاضر در نوع خود فعالیتی بدیع و نوآورانه است.

مبانی نظری پژوهش

«تمرد» واژه‌ای عربی است از مصدر باب ثلاثی مزید «تفعل»، ریشه آن «مَرَدَ» است که به معنای طغیان کردن، سرکشی کردن و عصیان کردن اس. (ابن منظور، ۱۴۱۰، ۴۰۰/۳). با رجوع به کتب لغات فارسی درمی‌یابیم که در زبان فارسی نیز تمرد برگرفته از معنای عربی آن است. در تعریف این لغت آمده است: «سرکشی کردن، رسیدن در نافرمانی به جایی که از نوع خود بیرون رود. عصیان کردن و از حد خود تجاوز نمودن چنانچه پند و نصیحتی را نپذیرد. سرکشی و گردنکشی و خودسری و مخالفت و نافرمانی و عدم اطاعت» (دهخدا، ۱۳۸۷: ۹۴۴/۸). همچنین نویسنده دیگری در معنای تمرد و گردنکشی کردن، عبارت ستنه شدن و نافرمانی کردن را بیان کرده است (معین، ۱۳۸۸: ۲۹۱).

در فرهنگ حقوقی بلک، ذیل عنوان Mutiny چنین آمده است: «مقاومت عمدی ترتیب داده شده به وسیله زور و سلاح نسبت به قوانین یا عملیات حاکمیتی دولت که توسط فردی ارتکاب یابد، تمرد نامیده می‌شود. در متون قدیم انگلیس، از این اصطلاح برای نافرمانی و سرپیچی نسبت به احضاریه و ابلاغیه دادگاه، مخصوصاً دادگاه انصاف که یک نوع اهانت و تحقیر نسبت به دادگاه محسوب می‌شد، استفاده می‌کردند. برای مثال، اگر پس از صدور و ابلاغ احضاریه، مدعی علیه در دادگاه حاضر نمی‌شد، حکم به ارتکاب تمرد از ناحیه وی می‌شد» (میرزایی فدافنی، ۱۳۷۷: ۱۷).

برای بیان مفهوم اصطلاحی «تمرد»، بایست به تعریف این واژه در متن قانون اشاره کرد. قانون‌گذار در دو قانون متفاوت جرم تمرد را تعریف کرده است: یکی در ماده ۶۰۷



کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ و دیگری در ماده ۵۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۸۲.

ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام‌وظیفه آنان به عمل آید ترمرد محسوب می‌شود».

در بحث رویکردها و نظریه‌های تبیین‌کننده خشونت و ترمرد علیه پلیس به اعتقاد نگارنده، «خشونت» در جرم ترمرد علیه مأموران پلیس از دو دیدگاه قابل طرح و بررسی است. نخست، این جرم یک جرم خشونت‌آمیز تلقی می‌شود و وقوع ترمرد علیه پلیس رفتاری خشونت‌آمیز محسوب می‌شود. دوم اینکه، گونه‌هایی از پرخاشگری و خشونت پلیس نیز در اغلب موارد می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب این جرم شود. از این رو، لازم است تا ابتدا «خشونت» را از رهیافت‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داده و نظریه‌های علمی مرتبط با این موضوع را به بوته نقد و بحث بگذاریم.

در حوزه علوم انسانی و اجتماعی سه رهیافت عام در مورد تبیین خشونت وجود دارد. این سه رهیافت را می‌توان رهیافت‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نام نهاد.

از جمله مهم‌ترین عوامل وقوع ترمرد نسبت به مأموران، عوامل فردی و زیست‌شناختی است؛ در واقع کهن‌ترین و شناخته‌ترین تبیین در مورد خشونت معطوف به این نگرش است که انسان به دلیل طبیعت زیستی‌اش تا حدودی برای ارتکاب خشونت برنامه‌ریزی شده است (عارفی‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۶).

تئوری رفتار غریزی با نام «زیگموند فروید»^۱ و «کنراد لورنز»^۲ پیوند خورده است. به‌زعم فروید کلیه رویدادها و فعالیت‌های انسان - کنش‌ها، اندیشه‌ها، احساسات و آرمان‌ها- تحت حاکمیت و تعین نیروهای غریزی قدرتمند، به‌ویژه نیروی جنسی و خشونت قرار دارند. فروید انسان را موجودی اساساً مکانیکی در نظر می‌گیرد که قوانین طبیعی مشابه با سایر موجودات زنده بر رفتار او حاکم است. به نظر فروید، رفتار انسان

۱ - Sigmund Freud

۲ - Konrad Lorenz

بر اساس قانون بقای انرژی و از طریق نوع منحصر به فردی از انرژی تحریک می‌شود. به نظر وی، جلوه‌های ذهنی انگیزش‌های فیزیکی به شکل آرزوها جلوه‌گر می‌شوند که همان غریزه‌اند. غرایز نشانگر حالتی ذاتی هستند که در پی تخلیه تنش‌ها می‌باشند. کلیه فعالیت‌های انسان مانند فکر کردن، یادآوری و خواب توسط غرایز تعیین می‌شوند و به تعبیر فروید، غرایز بی‌شمار، دو دسته از غرایز را تحت عنوان «غریزه بقا» و «غریزه مرگ» به‌عنوان غرایز اصلی تشکیل‌دهنده طبیعت بشر در نظر می‌گیرد. غریزه بقا در بردارنده نیروهایی است که در جهت حفظ و بقای فرایندهای حیاتی عمل می‌کنند و ضامن تکثیر نوع بشر هستند. به نظر فروید، انرژی ویرانگر از طریق فعالیت‌های مجاز اجتماعی مانند بازی‌ها و فعالیت‌های ورزشی تخلیه می‌شود و یا اینکه از طریق خشونت، معطوف به دیگران می‌شود (مایرز،^۱ ۱۹۹۴: ۲۵۴).

نتیجه این رفتار غریزی، «پرخاشگری» و «خشونت» خواهد بود که بدون شک فشار و خستگی روانی می‌تواند موجب تحریک فرد در بروز رفتارهای خشن شود. در خصوص تمرد علیه مأموران نیز در نگرشی دوسویه به موضوع، می‌توان وقوع پرخاشگری در بین کارکنان پلیس را ناشی از فشار و خستگی روانی آنان تلقی کرد.

دیدگاه دیگری که در مجموعه تئوری‌های مربوط به رهیافت زیست‌شناختی جای می‌گیرد، دیدگاه زیست‌شناسان اجتماعی است. زیست‌شناسان اجتماعی با الهام از بحث‌های زیست تکاملی بر این باورند رفتارهایی که به افراد کمک می‌کند تا ژن‌های خود را به نسل‌های بعدی منتقل کنند، به تدریج در نوع انسانی رواج می‌یابند. از آنجاکه خشونت به بسیاری از افراد مذکر در انتخاب جفت کمک می‌کند، اصول انتخاب طبیعی در طول زمان به افزایش میزان خشونت - حداقل بین مردان - کمک می‌کند. افزون بر این، زیست‌شناسان اجتماعی معتقدند به دلیل اینکه انسان در بستر انتخاب طبیعی تکامل می‌یابد، تمایلات نیرومند معطوف به رفتار پرخاش‌جویانه وی در این بستر قابل شناخت است؛ بنابراین تمایلات مذکور بخشی از ماهیت وراثتی و زیستی وی به شمار می‌آیند (بایرن و بارون،^۲ ۱۹۹۴: ۴۳۷). در این دیدگاه، برخلاف رویکرد لورنز که به بقای فرد توجه داشت، به بقای ژنتیکی تأکید می‌شود. از آنجاکه حداقل برخی از ژن‌های انسان

۱ - Myers

۲ - Baron & Byren



می‌توانند از طریق تولیدمثل موفقیت‌آمیز منتقل شوند، ژن‌های نهفته در رفتار که آسیب‌زا هستند در جریان تکامل و از طریق اختلاط و امتزاج ژنتیکی حذف می‌شوند (برهم و کاسین،^۱ ۱۹۹۳: ۳۵۹).

همان‌طور که گفته شد، اصول انتخاب طبیعی در طول زمان به افزایش میزان خشونت - حداقل بین مردان - کمک می‌کند. از این رو می‌توان گفت که در یک سازمان پلیسی که سازمانی مردانه (دست‌کم از نظر آمار نیروی انسانی) است؛ وقوع خشونت به جهت جنسیت کارکنان پلیس و نیز جنسیت بزهکاران عمدتاً مرد، امری ناگزیر تلقی می‌شود. در این خصوص همان‌گونه که بیان شد، اعمال خشونت به صورت حمله مستقیم به فرد یا موضوع ناکام‌کننده، آزار و اذیت، ناسزا گفتن، صدمه زدن، تخریب و دیگر رفتارهای معطوف به ویرانگری خواهد بود. در تقابل بین بزهکاران و پلیس، مأموران انتظامی به دلیل اینکه موجب ناکامی تبهکاران می‌شوند مورد تهاجم و اعمال خشونت آنان قرار می‌گیرند.

روانشناسان اجتماعی و نیز پاره‌ای از رفتارشناسان تلاش کرده‌اند تا با استناد به عوامل فیزیولوژیکی و بیولوژیکی به ریشه‌یابی خشونت در رفتار انسان بپردازند. در این مورد، برخی از روانشناسان با تأکید بر پرخاشگرانه‌تر بودن مردان در مقایسه با زنان به تأثیر هورمون تستوسترون در مردان اشاره کرده‌اند. به‌زعم این پژوهشگران، میزان بالای تستوسترون در خون به افزایش خشونت در مردان می‌انجامد و برعکس، میزان پایین این ماده منجر به کاهش خشونت می‌شود. گروه دیگری از روانشناسان و زیست‌شناسان با اشاره به ترکیب شیمیایی خون و تأثیر آن در خشونت، اظهار داشته‌اند وجود برخی مواد، مانند الکل و قند در خون بر خشونت تأثیر می‌گذارند. به‌زعم این پژوهشگران، افزون بر بالا بودن تستوسترون، پایین بودن میزان قند و بالا بودن میزان الکل در خون می‌تواند به افزایش کنش‌های پرخاشگرانه منجر شود (مایرز، ۱۹۹۴: ۲۲۶-۲۲۵).

نظریه دیگری که در بحث عوامل روانی مؤثر در وقوع ترمرد علیه مأموران پلیس می‌توان بدان اشاره کرد، نظریه شخصیت جنایی «پیناتل»^۲ است. در نظریه «شخصیت جنایی» ابعادی مورد بررسی قرار می‌گیرند که به فرد اجازه می‌دهد تا از اندیشه مجرمانه

۱ - Brehm & Kassir

۲ - Pinatel

به بستر عمل درآید. به عبارت دیگر، گذار از اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه در چهارچوب این نظریه محقق می‌شود و به فعل درآوردن اندیشه مجرمانه یا فعال کردن هسته مرکزی شخصیت مجرمانه موکول به این است که این چهار رکن جمع باشد. این چهار رکن به اضافه هسته مرکزی شخصیت مجرمانه، سبب می‌شوند که بالقوه مجرمانه به بالفعلی مجرمانه تبدیل شود. بدین ترتیب، جمع این چهار رکن در فرد می‌تواند انسانی را تبدیل به بزهکار کند؛ لذا از منظر پیناتل تفاوت بزهکار با فردی که هنوز مرتکب جرم نشده در این است که این چهار متغیر به هسته مرکزی شخصیت او افزوده شده‌اند. این چهار متغیر عبارت‌اند از: ۱- خودبینی و خودمحوری، ۲- دمدمی مزاج بودن یا بی‌ثباتی روانی، ۳- پرخاشگری یا حالت تهاجمی، ۴- بی‌اعتنائی یا بی‌تفاوتی عاطفی به زعم آقای پیناتل هسته مرکزی در همه شخصیت‌ها است؛ اما متغیرها حول هسته مرکزی که شخصیت فرد است به فعالیت مشغول‌اند. از نظر آقای پیناتل، بزهکار واقعی کسی است که این چهار رکن یا برخی از این ارکان در وی جمع شده باشد. با توجه به اقتضات شغل پلیسی، تجمع این ۴ رکن در بین عموم افرادی که با پلیس در تقابل‌اند را به وضوح می‌توان مشاهده کرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۴۴۰-۴۳۱).

«واکنش اجتماعی» رویکرد دیگری است که در ارتباط با تبیین عوامل اجتماعی وقوع جرم ترمرد علیه مأموران می‌توان بدان توجه داشت. در جرم‌شناسی اصطلاح «واکنش اجتماعی» دامنه گسترده‌ای را شامل می‌شود که هم شامل مجازات و اقدامات تأمینی تربیتی است و هم قانون‌گذاری کیفری و نهادهای واکنش اجتماعی علیه جرم را شامل می‌شود. نظریه‌های واکنش اجتماعی که در جرم‌شناسی مطرح می‌شوند، شامل چهار نظریه است که به عنوان نظریه‌های کلان در جامعه‌شناسی جنایی نیز بعضاً مورد استفاده قرار می‌گیرند. این چهار نظریه عبارت‌اند از: ۱- نظریه «تعامل‌گرایی» یا «برچسب‌زنی» که به بررسی کنش متقابل بین فرد و نهادهای واکنش اجتماعی علیه جرم می‌پردازد، از جمله پلیس، دستگاه قضایی، نحوه اجرای مجازات و...؛ ۲- نظریه «جرم‌شناسی سازمانی» یا «جرم‌شناسی تشکیلاتی» که به بررسی تناسب بین سازمان و تشکیلات قضایی، پلیسی و اجرایی و نحوه مبارزه آن‌ها با میزان جرائم در جامعه می‌پردازد؛ ۳- نظریه «جرم‌شناسی رادیکال» یا «جرم‌شناسی انتقادی» که با رویکردی سیاسی به علت‌شناسی بزهکاری در جوامع می‌پردازد؛ ۴- نظریه «بزه‌دیدة‌شناسی» که



به مطالعه نقش مجنی علیه (بزه دیده) در فرایند کیفری می پردازد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۴۷۴)

رویکرد دیگری که تبیین کننده خشونت علیه پلیس است، دیدگاه‌های مبتنی بر موضوعات و عوامل محیطی است. در تحقیق حاضر منظور از محیط، هم شامل محیط اشتغال کارکنان پلیس است و هم محیط ارتکاب جرم؛ درهرحال، هرکدام از این محیط‌ها در وقوع جرم تعدی و تمرد علیه مأموران پلیس تأثیرگذار بوده و مطابق با دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی که در این باره مطرح شده است، می‌باشد.

از جمله نظریات تبیین کننده این موضوع، نظریات متأثر از اندیشه‌های مکتب «بوم‌شناسی جنایی» است. «شاو» و «مک کی» دو دانشمند آمریکایی در سال ۱۹۳۱ اندیشه‌های اصلی این مکتب را بنا گذاشتند. بوم‌شناسی جنایی یا اکولوژی جنایی عبارت است از: تأثیر زیستگاه فردی و محل زیست فرد در رفتار مجرمانه. مراد از زیستگاه یا محل زیست، هم خانه یا کاشانه‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند و هم کوچه و خیابان آن خانه است. زیستگاه، مفهوم کلی است که شامل اوضاع و احوال و شرایط خاص محل زندگی فرد می‌شود. می‌توان گفت بوم‌شناسی جنایی به معنای بررسی تعامل و کنش متقابل بین فرد و شرایط محل زیست او یا تأثیر شرایط محل زیست او در رفتار وی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۴۷۵).

با توجه به مبانی نظری و مطالب مطرح شده در سطور پیشین، می‌توان چهارچوب نظری پیش فرض انجام مصاحبه و بررسی اسنادی در ارتباط با وقوع جرم تعدی و تمرد علیه مأموران انتظامی فرماندهی انتظامی استان فارس را حول محور چهار گروه از عوامل فردی، روانی، محیطی و اجتماعی تعیین کرد.

روش‌شناسی

این تحقیق یک تحقیق کیفی و از نظر هدف، کاربردی است. در علوم انسانی روش‌های متفاوتی برای تحقیقات علمی وجود دارد که هر محقق با توجه به موضوع مورد بررسی و شرایطی که در آن قرار دارد، یک یا چند شیوه را برای بررسی موضوع مورد مطالعه انتخاب می‌کند.

پژوهش کیفی عبارت است از: مجموعه فعالیت‌هایی (همچون مشاهده، مصاحبه، شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی) که هرکدام به نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست‌اول درباره موضوع مورد تحقیق یاری می‌دهند. بدین ترتیب، از اطلاعات جمع‌آوری شده، توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی شده حاصل می‌شود (دلور، ۱۳۸۳: ۲۵۵). به‌طور خلاصه، در راستای اجرای این تحقیق ابتدا مبانی نظری و تئوری‌های مرتبط با موضوع تحقیق مورد بررسی و کنکاش قرار خواهد گرفت. سپس، در فاز دوم تحقیق، به بررسی اسنادی موضوع می‌پردازیم. در این راستا، تلاش می‌شود تا ضمن بررسی و مطالعه پرونده‌های ۵ ساله ترمرد (۱۳۹۳-۱۳۹۷) در استان فارس، ضمن استخراج مشخصات آماری آنان شامل اطلاعاتی مشتمل بر طیف درجات، نوع آسیب، پراکندگی یگانی وقوع ترمرد، سن، جنس و... تحلیل توصیفی لازم انجام و سپس، در مرحله سوم، عوامل جرم‌شناختی موضوع در ۴ بعد اصلی شامل عوامل فردی، محیطی، روانی و اجتماعی، دسته‌بندی و در مصاحبه با جامعه آماری تحقیق مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

در این راستا، نخست، بر اساس چهارچوب نظری تدوین شده، سؤالات مصاحبه تنظیم و ضمن تهیه مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از مشارکت‌کنندگان تحقیق به‌صورت عمیق مصاحبه به عمل آمد. لازم به ذکر است که در این پژوهش روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، «تحلیل تفسیری» است. در این روش تحلیل، پژوهشگر درصدد است تا در حد امکان، به آشکار نمودن پیام‌های نهفته در متن نوشتاری مصاحبه بپردازد. طبق توصیه گیلهام، برای دستیابی به این هدف، متن مصاحبه باید به‌طور کامل و با شرح جزئیات نوشته شود (گیلهام،^۱ ۲۰۰۰: ۶۳)؛ سؤالات اصلی پرسیده شده، یادآوری‌ها، کندوکاو‌هایی که مصاحبه‌گر انجام داده است و سؤالاتی مکمل در آن، باید ذکر شود تا بتوان به درک کاملی از آنچه مصاحبه‌شونده گفته، دست یافت.

در تحقیق حاضر، جمعیت آماری مورد مطالعه و مصاحبه عبارت است از:

الف- پرونده‌های تعدی و ترمرد ۵ سال اخیر که منجر به فوت و یا آسیب دیدگی کارکنان انتظامی استان فارس شده است.



ب- کارشناسان و خبرگان انتظامی مرتبط با موضوع در فرماندهی‌های انتظامی استان فارس؛

ج- مقامات قضایی؛

د- کارشناسان و خبرگان علمی و اساتید دانشگاهی؛

ه- شهروندان محکوم و متهم به جرم تمرد علیه مأموران انتظامی که دارای پرونده کیفری در مراجع قضایی با این عنوان اتهام می‌باشند.

برای مصاحبه در استان فارس، مجموعه ۳۵ نفر از افراد مندرج در بندهای (ب، ج، د، ه) که شامل ۱۵ نفر کارشناسان و مأموران انتظامی آسیب‌دیده، ۵ نفر مقامات قضایی، ۵ نفر از اساتید دانشگاهی و خبرگان علمی و ۱۰ نفر از شهروندان محکوم و متهم به ارتکاب جرم تمرد علیه مأموران انتظامی (بزهکاران) است، در این تحقیق مشارکت داشته‌اند. جدول شماره (۱) گویای ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان است.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

جنسیت		سطح تحصیلات					رده سنی	
مرد	زن	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتري	۱۸ تا ۲۵	۲۶ تا ۳۵	۳۶ تا ۴۵	۴۵ به بالا
۳۲	۳	۱۲	۷	۵	۱۰	۹	۸	۹

یافته‌ها

یافته‌های تحقیق حاضر همان‌طور که در بحث روش تحقیق بیان شد، در دو قسمت قابل ارائه است. نخست، نتایج حاصل از بررسی اسنادی پرونده‌های تعدی و تمرد علیه مأموران انتظامی فرماندهی انتظامی استان فارس و سپس، تحلیل تفسیری داده‌های حاصل از مصاحبه. در این راستا، ضمن بررسی اسنادی از پرونده‌های موجود در فرماندهی انتظامی استان فارس، تلاش شده تا اطلاعات دقیقی از میان اسناد مکتوب و میدانی استخراج و مورد تحلیل توصیفی و آماری قرار گیرد.

جدول شماره (۲) بیانگر وضعیت کلی وقوع جرائم طی بازه زمانی موردنظر تحقق است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در بازه زمانی ۵ ساله تحقیق ۸۲ مورد جرم تعدی و تمرد واقع شده است.

جدول ۲: فراوانی وقوع جرم ترمرد از ۱۳۹۳-۱۳۹۷

سال	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷
تعداد	۱۶	۱۶	۱۳	۲۴	۱۳

توجه به عوامل جمعیت‌شناختی در مطالعات جرم‌شناسانه می‌تواند تا حد زیادی محقق را به اشرافیت نسبی در خصوص تأثیر این عوامل بر وقوع یک جرم خاص برساند. بدین منظور، با مطالعه اوراق پرونده‌های ترمرد علیه مأمورین فرماندهی انتظامی استان فارس، اطلاعات مرتبط با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بزهکاران (متمردان) جمع‌آوری و در ادامه، به بوته نقد و بحث گذاشته خواهد شد.

در این راستا، هفت ویژگی مورد بررسی قرار گرفته است. این ویژگی‌ها شامل سن، جنس، مدرک تحصیلی، وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، وضعیت سابقه کیفری و آخرین وضعیت رسیدگی قضایی به پرونده ترمرد است. لازم به ذکر است، هرچند تعداد وقوع جرم ۸۲ مورد اعلام شده، اما با توجه به اینکه در هر پرونده ممکن است تعداد بزه‌دیدگان و بزهکاران یک جرم بیش از یک نفر و متفاوت باشد، جامعه آماری دو گروه مزبور بیش از تعداد وقوع بوده و به ترتیب، بزهکاران شامل ۱۰۷ نفر و بزه‌دیدگان نیز ۹۵ نفر می‌باشند.

جداول زیر دربرگیرنده اطلاعات جمعیت‌شناختی به بزهکاران است:

جدول ۳: اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به جنسیت، سن و تحصیلات بزهکاران

جنسیت	سن						مدرک تحصیلی		
	زن	سال	۲۰ تا	۳۰ تا	۳۱ تا	۴۰ تا	زیردیپلم	دیپلم	کاردانی و ارشد به بالا
مرد	۶	۳۰	۳۵	۲۷	۱۵	۳۹	۳۶	۲۸	۴
	%۵	%۲۸	%۳۳	%۲۵	%۱۴	%۳۶	%۳۴	%۲۶	%۴

جدول ۴: اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به تأهل، سابقه، نتیجه قضایی و اشتغال بزهکاران

وضعیت اشتغال	نتیجه قضایی		سابقه کیفری		وضعیت تأهل	
	برائت	محکومیت	ندارد	دارد	متأهل	مجرد
دولتی	۲۱	۸۶	۸۸	۱۹	۴۹	۵۷
محصّل	۳۷	۲۱	۸۸	۱۹	۴۹	۵۷
بیکار	۳۷	۲۱	۸۸	۱۹	۴۹	۵۷
	%۳۵	%۲۰	%۸۰	%۸۳	%۱۷	%۴۵
	%۱۳	%۲۴	%۲۸	%۵۵		



همان‌گونه که در دو جدول بالا مشاهده می‌شود، ۹۵٪ درصد از بزهکاران مرد و ۵٪ آنان زن هستند. ۵۱٪ درصد از این افراد در سنین جوانی (تا ۳۰ سال) و تنها ۱۴٪ از آنان، بیش از ۴۰ سال سن دارند. در بحث سطح تحصیلات نیز ۶۰ درصد متمرمان فاقد تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. هرچند آمار ۴۰ درصدی بزهکارانی که دارای تحصیلات هستند نیز قابل توجه است. در این میان، ۵۵٪ از آنان متأهل و ۴۵٪ مجرد هستند که ۱۷٪ دارای سابقه کیفری و ۸۳٪ نیز فاقد سابقه بوده‌اند. در بحث اشتغال، ۳۵٪ دارای شغل آزاد، ۱۳٪ دولتی، ۲۴٪ محصل و ۲۸٪ نیز بیکار بوده‌اند، نتیجه رسیدگی قضایی در خصوص افراد متهم به ترمرد، ۸۰٪ محکومیت در برابر ۲۰٪ تبرئه و یا صدور قرار منع و موقوفی تعقیب بوده است.

علاوه بر بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بزهکاران، وضعیت بزه‌دیدگان نیز در این ارتباط مورد بررسی اسنادی قرار گرفت که اطلاعات مندرج در جداول شماره (۵) و (۶) بیانگر وضعیت مذکور است.

جدول ۵: اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به بومی بودن، سن شناسنامه‌ای و سن خدمتی بزه‌دیدگان

بومی یا غیربومی		سن					سن خدمتی		
بومی	غیربومی	۱۸ تا ۲۰ سال	۲۱ تا ۳۰	۳۱ تا ۴۰	۴۰ به بالا	۵ سال	۶ تا ۱۰	۱۱ تا ۲۰	۲۰ به بالا
۶۷	۲۸	۲۴	۲۸	۲۲	۲۱	۳۰	۲۵	۲۳	۱۷
٪۷۰	٪۳۰	٪۲۲	٪۳۰	٪۲۳	٪۲۰	٪۳۲	٪۲۶	٪۲۴	٪۱۸

جدول ۶: اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به سطح تحصیلات و طیف درجات بزه‌دیدگان

سطح تحصیلات				طیف درجه			
زیردیپلم	دیپلم	کاردانی و کارشناسی	کارشناسی‌ارشد به بالا	وظیفه	درجه‌دار	افسر جزء	افسر ارشد
۱۵	۲۸	۴۳	۹	۲۱	۲۴	۳۵	۱۵
٪۱۶	٪۲۹	٪۴۵	٪۱۰	٪۲۲	٪۲۵	٪۲۷	٪۱۶

اطلاعات مندرج در جداول بالا نیز نشان می‌دهد که از بین ۹۵ نفر بزه‌دیده جرم ترمرد طی بازه زمانی ۵ ساله در فرماندهی انتظامی استان فارس، ۶۷ نفر بومی و ۲۸ نفر غیربومی بوده‌اند؛ ۲۲٪ از این افراد بین سنین ۱۸ تا ۲۰ سال، ۳۰٪ در دره سنی ۲۱ تا ۳۰ سال، ۲۳٪ بین ۳۱ تا ۴۰ سال و ۲۰٪ نیز ۴۰ سال به بالا داشته‌اند. سن خدمتی بزه‌دیدگان نیز به‌گونه‌ای است که ۵۸ درصد از بزه‌دیدگان کمتر از ۱۰ سال دارند، ۲۴٪

بین ۱۱ تا ۲۰ سال خدمت و ۱۸٪ نیز بالای ۲۰ سال خدمت داشته‌اند. از این بین، ۱۵ نفر زیردیپلم، ۲۸ نفر دیپلم، ۴۳ نفر دارای مدرک کاردانی یا کارشناسی و ۹ نفر نیز دارای مدرک کارشناسی‌ارشد هستند. طیف درجه‌داری این افراد نیز بدین گونه است که ۲۲٪ وظیفه، ۲۵٪ درجه‌دار، ۳۷٪ افسر جزء و ۱۶٪ نیز افسر ارشد بوده‌اند.

دومین فاز تحقیق به مصاحبه عمیق با جامعه هدف و تحلیل تفسیری داده‌های حاصله مربوط است. آنچه در ادامه بدان پرداخته خواهد شد، تجزیه و تحلیل اطلاعات و پاسخ‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌شوندگان در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر وقوع جرم تعدی و تمرد علیه مأموران انتظامی خواهد بود.

در ارتباط با شناسایی عوامل فردی، از مصاحبه‌شوندگان این سؤال پرسیده شد که آیا به نظر شما عوامل فردی در وقوع جرم تعدی و تمرد مؤثر است؟ و اگر پاسخ مثبت است، شما این تأثیر را چگونه تحلیل می‌کنید؟

در این خصوص، پاسخ‌های به‌دست‌آمده گویای این است که سن، جنس، تحصیلات، درجه و وضعیت تأهل در این راستا نقش مهمی داشته و غالباً از جمله عوامل مؤثر در وقوع جرم تعدی و تمرد علیه مأموران انتظامی تلقی می‌شوند.

در این زمینه، مشارکت‌کننده شماره ۴ اظهار داشته: «افراد جوان‌تر معمولاً در مقابل مأمورین خشونت بیشتری دارند. هرچه که سن از نوجوانی به سمت جوانی سوق پیدا می‌کند، به‌هرحال، افراد جوان‌تر بیشتر دارند و این‌ها خشونت بیشتری در مقابل مأمورین دارند و سعی می‌کنند که در مقابل مأمورین مقاومت کنند و این مقاومت منجر به خشونت و تعدی و تمرد می‌شود».

همچنین مشارکت‌کننده شماره ۱۲ که از جمله مأموران انتظامی آسیب‌دیده در جریان وقوع جرم تعدی و تمرد است، عنوان کرده که: «اغلب آن‌هایی که سنگ می‌زدند، بچه‌سال بودند؛ البته بزرگ‌ترهایشان هم بودند و چیزی نمی‌گفتند؛ ولی معمولاً بیشتر کسانی که به مأموران حمله می‌کنند و یا فحاشی و اهانت می‌کنند، جوان هستند؛ هرچند در طول خدمتم اتفاق افتاده که پیرمرد یا پیرزنی هم با ما درگیر شده، اما این اتفاق کمتر افتاده است.»



در همین راستا، مشارکت‌کننده شماره ۳۳ که از جمله مقامات قضایی است، بیان می‌دارد: «جنسیت هم در وقوع این جرم بسیار تأثیرگذار است؛ چند سال پیش، پرونده‌ای بود که مأموران با یک زن و مرد فروشنده مواد درگیر شده بودند؛ نکته جالب این بود که زن موادفروش به مأمور زن حمله کرده بود و مرد هم به مأمور مرد؛ یعنی انگار این تعریف شده هست در جامعه ما که مرد با زن نباید درگیر شود، اما درگیری خانم‌ها با همدیگر این‌قدر قبح ندارد».

در ارتباط با مؤلفه تحصیلات نیز غالب پرسش‌شوندگان، معتقد به تأثیر این موضوع در وقوع جرم تعدی و تمرد علیه مأموران بودند. در این خصوص، مصاحبه‌شونده شماره ۲۹ که متأهل، ۲۷ ساله و تحصیلاتش را تا پنجم ابتدایی ذکر کرده و از جمله بزهکاران است، می‌گوید: «من نمی‌دانستم که دارم چه کار می‌کنم؛ بقیه سنگ می‌انداختند و من هم همراهشان بودم؛ من که سواد درست و حسابی ندارم، شغل‌مان هم کارگری است، اگر سواد درست حسابی داشتیم که اصلاً و ضمناً خیلی فرق می‌کرد».

در تأیید تأثیر این موضوع در وقوع جرم تعدی و تمرد علیه مأموران، مصاحبه‌شونده شماره ۳۵ که از جمله اساتید دانشگاهی است، بیان می‌دارد: «تحصیلات هرچند تضمین‌کننده عدم وقوع جرم نیست، اما تحقیقات نشان داده که بالا رفتن میزان تحصیلات با احتمال وقوع جرم نسبت عکس دارد؛ یعنی هرچه سطح تحصیلات بالاتری داشته باشد، احتمال وقوع جرم درباره آن کمتر است، و این می‌تواند به خاطر فرصت‌های شغلی بهتر، جایگاه اجتماعی بالاتر و... که ناشی از مدرک تحصیلی‌اش است، باشد. این موضوع به نظر من حتی درباره مأموران هم صادق است که البته شما باید بیشتر بررسی کنید، ولی به نظر من احتمال بزه‌دیدگی مأمور دارای سطح تحصیلات بالاتر، کمتر از مأموران دارای سطح تحصیلات پایین‌تر است».

عامل فردی دیگری که برخی از مصاحبه‌شوندگان درباره آن اشاراتی داشته‌اند، «درجه نظامی» است. البته نوع دیدگاه گروه‌های مختلف مصاحبه‌شونده به این موضوع یکسان نبوده و هرچند بیشتر مصاحبه‌شوندگان تأثیر وقوع این مؤلفه را مورد اشاره قرار داده‌اند، اما برخی نیز اعتقادی به اثرگذاری این عامل فردی در وقوع جرم تعدی و تمرد علیه مأموران انتظامی نداشته‌اند.

در این خصوص، مصاحبه‌شونده شماره ۲۰ بیان داشته: «درجه افراد هم در وقوع یا عدم وقوع این جرم تأثیرگذار است. البته این می‌تواند به این خاطر باشه که مثلاً افسران ارشد کمتر در صحنه‌های عملیاتی حضور دارند و اگر می‌بینیم بیشتر آسیب‌دیدگان از طیف سربازان یا درجه‌داران و افسران جزء است، به این دلیل است که بیشتر مأموریت‌ها را این‌ها انجام می‌دهند».

عامل فردی دیگری که از متن مصاحبه‌های انجام‌شده می‌توان بدان پی برد، «وضعیت تأهل» است. چنانکه این مهم در آمار توصیفی نیز مورد بررسی قرار گرفت، حین مصاحبه نیز بیشتر مصاحبه‌شوندگان بر این موضوع تأکید داشتند. در این خصوص، مشارکت‌کننده شماره ۳۳ که از اساتید دانشگاه بوده، بیان می‌دارد: «عوامل فردی در وقوع این جرم تأثیر زیادی دارند؛ مثلاً سن، جنس و... یا وضعیت تأهل فرد، می‌تواند در این مسئله تأثیر زیادی داشته باشد. به‌صورت کلی، بررسی‌ها و تحقیقات علمی هم نشان داده که رفتار فرد مجرد بی‌پروایانه‌تر از فرد متأهل خواهد بود. درواقع، فرد متأهل در محاسبات خود ممکن است به خانواده، همسر و فرزندانش فکر کند و رفتارش محتاطانه باشد، اما یک جوان مجرد راحت‌تر تصمیم می‌گیرد که مثلاً تخریب کند یا با پلیس درگیر شود».

محور دوم سؤالات مصاحبه، در ارتباط با عوامل روانی مؤثر بر وقوع جرم تعدی و تمرد علیه مأموران انتظامی است. در این خصوص، از مشارکت‌کنندگان سؤال شده که آیا به نظر شما عوامل فردی در وقوع جرم تعدی و تمرد مؤثر است؟ و اگر پاسخ مثبت است، شما این تأثیر را چگونه تحلیل می‌کنید؟ همچنین حین مصاحبه برخی سؤالات مرتبط دیگر نیز طرح شده که ماحصل داده‌های به‌دست‌آمده گویای این است که عمده عوامل روانی مؤثر بر وقوع جرم تعدی شامل مواردی همچون تفاوت سطح آستانه تحمل افراد، میزان قاطعیت مأموران پلیس، نگرش بزهکاران نسبت به مأموریت‌های پلیس و فشار و خستگی روانی است.

در این ارتباط، مصاحبه‌شوند شماره ۶ می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین علل وقوع جرم تمرد را باید در نوع رفتار مأمورین جستجو کرد. با توجه به نوع شغل پلیسی و اثراتی که به خاطر ارتباط مداوم با تبهکاری و پلیدی‌های اجتماع در درون کارکنان پلیس اتفاق می‌افتد، مشکلات روحی و روانی است، این موضوعات مشکلاتی در آستانه تحمل



مأموران به وجود می‌آورد و مثلاً شما می‌بینید که مأمور ما که باید صبر و شکیبایی زیادی در مأموریت‌های مختلف داشته باشد، با حرف یک جوان یا نوجوان عصبانی شده و درگیری فیزیکی شروع می‌شود، هرچند که آن حرف اهانت‌آمیز هم باشد، پلیس نباید زود از کوره در برود».

در همین راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۳۰ معتقد است که: «زمینه‌های روحی و روانی در اشخاص می‌تواند در وقوع هر جرمی مؤثر باشد، جرم ترمرد هم همین است. اگر افراد، افرادی باشند که زود خشمگین شوند و نمی‌توانند خودشان را کنترل کنند، از لحاظ روحی و روانی زمینه ترمرد در آن‌ها بیشتر است».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ که از جمله بزهکاران زن متهم به ترمرد است، در خصوص نگرش بزهکاران نسبت به مأموریت‌های پلیس بیان می‌دارد: «بعضی از مأمورها اصلاً رحم ندارند، اگر آن روز با شوهر من آن‌طور در خانه برخورد نمی‌کردند، شاید اصلاً این اتفاق نمی‌افتاد. هرچه ما می‌گفتیم که شوهرم دارد رضایت می‌گیرد و او را نبرید، اما فقط می‌گفتند حکم داریم؛ خب ما هم وقتی اون برخورد را دیدیم، عصبانی شدیم و...».

مصاحبه‌شونده شماره ۲۴ اعتقاد دارد که: «خیلی جاها اگر پلیس محکم‌تر برخورد کند و مماشات نکند از اول، شاید اجازه کوچک‌ترین بی‌احترامی هم داده نخواهد شد؛ ولی بعضی از همکاران آن‌قدر ضعیف عمل می‌کنند که طرف مقابل هم جری شده و اقدام به فحاشی و درگیری و برخورد می‌کند». در واقع، وی به موضوع «عدم قاطعیت پلیس» اشاره دارد که به‌دروستی در برخی مواقع این عامل باعث آغاز فرایند درگیری و ترمرد می‌شود.

«فشار و خستگی روانی» عامل دیگری است که طی مصاحبه‌های انجام شده، بر آن تأکید شده است. از جمله مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ که از افسران پلیس راهنمایی و رانندگی است، در این باره بیان می‌دارد: «بعضی روزها وقتی از سرکار به خانه می‌روم، اصلاً حال و حوصله حرف زدن با اهل منزل را هم ندارم؛ اگر حتی بچه‌ام مثلاً گریه یا اذیت کند، دست خودم نیست و عصبانی می‌شوم؛ حالا شما فکر کنید سرپست هستی و یک نفر را که تو جاده تخلف داشته و داری اعمال قانون می‌کنی، شروع به فحاشی و اهانت و

بدویراه گفتن و... می‌کند اصلاً فشار انقدر زیاد هست که آن موقع نمی‌شود رفتار مأمور را غیرعادی دانست».

عوامل محیطی از دیگر عواملی هستند که در وقوع جرم تعدی و تمرد تأثیر دارند. در خصوص تأثیر این عوامل از مشارکت‌کنندگان در تحقیق سؤال شد که آیا به نظر شما عوامل محیطی در وقوع جرم تعدی و تمرد تأثیر دارند؟ اگر تأثیر دارند این تأثیر به شکل است؟ در ادامه مصاحبه، سؤالات پیرامونی نیز در خصوص تأثیر عوامل محیطی بسته به پاسخ‌های که ارائه می‌شد، پرسیده شد که مجموعاً تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه گویای این است که «ویژگی‌های محل خدمت کارکنان پلیس» و «سطح ارتباطات محیطی» به‌عنوان مهم‌ترین عوامل محیطی در وقوع جرم تعدی علیه مأموران تأثیر بسزایی دارد.

در این خصوص، مصاحبه‌شونده شماره ۲۲ عنوان داشته که: «شما اگر یک لیوان را کنار یک صابون بگذارید، بعد از یک ساعت دیگر آن لیوان آب را نمی‌شود خورد، چون مزه صابون را گرفته است؛ این تأثیر وضعی محیط است. حالا شما تصور کنید وقتی در محیط کاری یک پلیس دائماً اتفاقات ناخوشایند می‌افتد، صبح زود جسد می‌بیند، یک ساعت دیگر دزدی می‌شود، ظهر با یک پرونده تجاوز به محارم روبرو می‌شود و اتفاقات دیگر که به‌صورت روزمره برای یک مأمور اتفاق می‌افتد و... آیا اصلاً برای این آدم روحیه زندگی کردن می‌ماند؟ که بخواهد خدمت هم بکند؟ این‌ها همه به خاطر محیط کاری هست».

موضوع دیگری که در خصوص عوامل محیطی مورد اشاره قرار گرفته، ویژگی‌های فیزیکی محل خدمت کارکنان پلیس است. در این باره، مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ عنوان داشته: «محیط هم از عواملی است که در بروز جرائم تأثیرگذار است و جرم تعدی و تمرد هم مستثنی نیست. اگر محیطی که مأمورین در آن خدمت می‌کنند، شرایط و کیفیت لازم را داشته باشد و همچنین، برای ارباب و رجوع محیطی (به‌اصطلاح) دلپذیر و خوشایند باشد، قطعاً تأثیرگذار است؛ بنابراین عوامل محیطی همواره می‌تواند مؤثر باشد و به نظرم می‌رسد که ساختار محیط خدمتی باید ساختار مناسبی باشد».

چهارمین دسته از عوامل مؤثر بر وقوع جرم تعدی علیه مأموران انتظامی را در بین عوامل اجتماعی جستجو کرده‌ایم. وضعیت فرهنگی اجتماع محل وقوع جرم، وضعیت



اقتصادی محل و درآمد کارکنان پلیس، تعاملات اجتماعی پلیس، سیاست تقنینی و قضایی مقابله با جرم تعدی و تمرد علیه پلیس از جمله عواملی است که طی مصاحبه‌های انجام شده بر آن‌ها تأکید شده است. مضمون مطالب گفته شده از سوی مشارکت‌کنندگان در تحقیق، دربردارنده این مفهوم است که عوامل اجتماعی مذکور در وقوع جرم مورد مطالعه نقش دارند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۰ در ارتباط با وضعیت فرهنگی اجتماع محل وقوع جرم می‌گوید: «ما با برخی خرده‌فرهنگ‌هایی مواجه هستیم که قانون‌گریزی را ارزش می‌دانند. در برخی محلات شیراز و یا برخی از شهرهای دیگر استان، شما می‌بینید که مثلاً جوانان درگیر شدن با پلیس را نشانه شجاعت و برتری خودشان می‌دانند و اگر کسی تجربه این‌چنین داشته باشد، آن را با آب‌وتاب و اغراق برای دوستانش تعریف میکند و معمولاً هم از طرف سایرین تشویق و تحریک می‌شود».

مشارکت‌کننده شماره ۱۱ در خصوص وضعیت اقتصادی و تأثیر آن بر وقوع جرم تمرد علیه پلیس بیان داشته: «عوامل اقتصادی هم می‌تواند مؤثر باشد. بیکاری که ناشی از مشکلات اقتصادی است، در اجتماع ما پیش آمده و به علت درآمد پایین، افراد در برخی جاها می‌خواهند برای رسیدن به اهداف خودشان و حتی تحصیل درآمد از یک سری قانون‌شکنی‌ها استفاده کنند، و ممکن با مأموران نیروی انتظامی که وظیفه‌شان اجرای قانون است، مواجهه شوند. اینجا یه چالش و برخوردی ایجاد می‌شود؛ بنابراین قطعاً مشکلات اقتصادی در این موضوع هم مؤثر هست».

در بین مطالب بیان شده از سوی مصاحبه‌شوندگان، علاوه بر موضوع وضعیت اقتصادی جامعه، به‌طور خاص به وضعیت معیشتی کارکنان پلیس و نقش آن در وقوع جرم تعدی و تمرد علیه پلیس نیز اشاراتی شده است؛ از جمله اینکه مصاحبه‌شونده شماره ۹ در این خصوص اظهار داشته: «وقتی مأمور جیبش خالی است، هزار مشکل اقتصادی دارد و خانواده‌اش تحت فشار اقتصادی هستند، نمی‌تواند رفتار خوب و آرامی داشته باشد و ممکن است که بازتاب این مشکلات خودش را در رفتار مأمور نشان بدهد». وی در ادامه بیان می‌دارد که: «چند سال قبل وقتی به همراه یکی از همکاران در مأموریتی بودیم که به ما فحاشی و بی‌ادبی می‌کردند و همکار ما از کوره در رفت و عصبانی و درگیر شد، به ایشان گفتم که نباید درگیر می‌شدی و از این صحبت‌ها، ولی او

گفت که مگر چقدر حقوق می‌گیریم که بایستیم فحش و بدوبیراه به زن و بچه‌مان هم بدهند؛ من نمی‌توانم».

مصاحبه‌شونده شماره ۲۷ که از جمله مقامات قضایی است، به موضوع «تعاملات اجتماعی پلیس» اشاره و می‌گوید: «به نظر من نحوه برقراری تعاملات اجتماعی تا حد زیادی می‌تواند از بروز درگیری و تنش جلوگیری کند. من با مأموران نیروی انتظامی روزانه برخورد دارم و با هم اقدامات قضایی را انجام می‌دهیم و تقریباً می‌دانم مثلاً اخلاق فلان افسر خیلی خوب است و یا مثلاً درجه‌دار فلانی چه مقدار تند است. اتفاقاً چند روز پیش شنیدم که همان درجه‌دار بد اخلاق با چند نفر که یکی‌شان زن بوده، سمت پایین‌شهر درگیر شده و زخمی‌اش کردند؛ ولی برای آن افسری که حسن رفتار دارد، من تا حالا نشنیدم که از این‌جور مسائل برایش پیش آمده باشد. این به خاطر توانایی برقراری تعامل و حسن خلق هست».

مشکلات مربوط به سیاست تقنینی و قضایی، دیگر عاملی است که مصاحبه‌شوندگان از آن به‌عنوان عوامل اجتماعی مؤثر در وقوع جرم تعدی و ترمرد علیه پلیس بر آن تأکید داشته‌اند. در این راستا، مصاحبه‌شونده شماره ۳۵ می‌گوید: «قانون‌گذار هم در تعیین مجازات برای ترمرد، خوب عمل نکرده است؛ شما تصور کنید وقتی در یک محله جوانی با مأمور درگیر شود و بعد از شکایت، اگر مأمور رضایت بدهد و جوان دوباره در محله حضور پیدا کند، انگار که اصلاً اتفاقی نیفتاده و اگر هم به فرض، ۶ ماه حبس بشود، افکار عمومی احساس می‌کنند که فرد اصلاً مجازات نشده، چون به نظر بسیاری از عموم، جرم ترمرد علیه مأمور مجازات بسیار سنگینی دارد و شاید باور نکنند که قانون‌گذار این اختیار را به قاضی داده که برای چنین فردی سه ماه حبس بدهد و یا تبدیل به جزای نقدی کند».

بحث و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر تلاش شد تا موضوع ترمرد علیه مأموران انتظامی در استان فارس از دیدگاه جرم‌شناسی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. از این‌رو، ضمن بیان مفهوم لغوی و اصطلاحی جرم ترمرد، دیدگاه‌های علمی پیرامون ابعاد مختلف این جرم به بحث گذاشته شد. بررسی مبانی نظری گویا این است که اساساً وقوع ترمرد در فرایند تعامل بخشی از



جامعه و نیروی پلیس اتفاق می‌افتد. از این‌رو، نخست، بایست به این مهم توجه کرد. در این راستا، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تعامل مورد اشاره، فرایند ارتباط میان فردی مردم و پلیس، چالش‌ها و فرصت‌های ارتباط اثربخش میان مردم و پلیس و نقش جامعه‌پذیری در تعاملات مردم و پلیس است. در بحث تحلیل رویکردها و نظریه‌های تبیین‌کننده خشونت و تمرد علیه پلیس، رهیافت‌های فردی و زیست‌شناسی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و دیدگاه‌های مبتنی بر عوامل محیطی مهم‌ترین و اصلی‌ترین دیدگاه‌های تبیین‌کننده را ارائه می‌کنند.

از این‌رو، چهارچوب نظری پیش‌فرض انجام مصاحبه حول محور چهار گروه از عوامل فردی، روانی، محیطی و اجتماعی تعیین شد. طی بررسی اسنادی صورت گرفته از تعداد ۸۲ پرونده تمرد واقع شده در استان فارس، بین مهر و موم‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ نیز تا حد زیادی تأثیر عوامل مذکور مشهود بود.

بر اساس اطلاعات مستخرج از بررسی اسنادی پرونده‌های مذکور و انجام مصاحبه با کارشناسان و بزه‌دیدگان انتظامی، نخبگان دانشگاهی و مقامات قضایی و نیز گروهی از بزه‌کاران، می‌توان عمده عوامل فردی مؤثر بر وقوع جرم تعدی و تمرد علیه مأموران انتظامی در استان فارس را شامل سن، جنس، تحصیلات، درجه و وضعیت تأهل؛ عمده عوامل روانی مؤثر بر وقوع جرم تمرد شامل تفاوت سطح آستانه تحمل افراد، میزان قاطعیت مأموران پلیس، نگرش بزه‌کاران نسبت به مأموریت‌های پلیس و فشار و خستگی روانی؛ عمده عوامل محیطی شامل ویژگی‌های محل خدمت کارکنان پلیس و سطح ارتباطات محیطی؛ و عمده عوامل اجتماعی نیز شامل وضعیت فرهنگی اجتماع محل وقوع جرم، وضعیت اقتصادی محل و درآمد کارکنان پلیس، تعاملات اجتماعی پلیس، سیاست تقنینی و قضایی مقابله با جرم تعدی و تمرد علیه پلیس در نظر گرفت.

این نتایج تا حدی بر برخی از نتایج تحقیقات مشابه که در پیشینه پژوهش در ابتدای مقاله مورد اشاره قرار گرفت، منطبق است؛ به‌ویژه اینکه برخی عوامل نظیر قانون‌گریزی، مشکلات فردی و... از جمله عوامل مشترک در بحث علل و عوامل وقوع تمرد علیه پلیس تلقی می‌شود. با این حال، آنچه در تحقیق حاضر به‌عنوان نتیجه خاص این تحقیق می‌توان آن را برجسته نمود، نخست، نگرش جرم‌شناسانه به موضوع است؛ دوم، شناسایی عواملی که مرتبط با بزه‌دیدگان (کارکنان پلیس) هستند و سوم، تأکید بر

برخی مشکلات ساختاری که می‌توان آن را در محدوده جرم‌شناسی سازمانی تحلیل نمود؛ از این‌رو، ضمن تأیید نتایج تحقیقات مشابه، پژوهش حاضر را می‌توان پژوهشی توسعه‌یافته تلقی کرد که با نگرشی نو، به شناسایی عوامل دیگری از زاویه دید متفاوت پرداخته است.

پیشنهادها

در ارتباط با عوامل مؤثر بر وقوع جرم تعدی و تمرد علیه مأموران پلیس، پیشنهادهای زیر را می‌توان مطرح کرد:

- برگزاری کلاس‌های روان‌شناختی با موضوعات مربوط به مهارت‌های کنترل خشم و استانداردهای رفتار پلیس به صورت هدفمند برای کارکنانی که در سنین پایین خدمتی و در رسته‌های خدمتی صفی (اجرایی) مشغول به فعالیت هستند.
- با توجه به اینکه ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی کلیه کارکنان شاغل در دستگاه‌های دولتی را در یک وضعیت دیده، لازم است برخی شرایط خاص مشاغلی مانند مأموریت‌های پلیسی که دارای خطرات متعدد جسمی و روحی است و نیز تفاوت بازتاب تمرد به یک مأمور انتظامی به‌عنوان نماینده حاکمیت با دیگر کارکنان دولتی در اصلاحات قوانین جزایی پیش‌بینی لازم و متناسب به عمل آید.
- ضرورت استفاده پلیس از تجهیزات و فناوری‌های نوین به‌منظور به حداقل رساندن تعاملات تنش‌زا و اصطکاک با بدنه متخلف جامعه.
- توجه ویژه به مشکلات ساختاری و سازمانی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و رفع مشکلات مربوطه به این موضوع و نیز تلاش برای رفع مسائل و مشکلات همیشگی و کلیشه‌ای معیشت کارکنان می‌تواند تا حد زیادی بر کاهش اثرگذاری عوامل اقتصادی و روانی مؤثر باشد.
- استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد و خصوصی‌سازی بخشی از اقدامات پلیسی از جمله در حوزه کشف جرم، به‌منظور به حداقل رساندن هزینه‌های مقابله‌ای.



منابع

- ابن منظور المزیقی المصری (العلامة ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم) (۱۴۱۰). «لسان العرب»، بیروت: دارصادر.
- امینی نیک، مریم (۱۳۸۷). «تمرد نسبت به مأمورین دولتی در حقوق کیفری ایران». (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه قم.
- پورمنافی، ابوالفضل؛ رضایی راد، مجید؛ نیک نفس، علی (۱۳۹۲). «تبیین ارتباط بین پلیس و مردم در بستر طرح انضباطی». فصلنامه پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، شماره بیست و چهارم.
- دعاگویان، داود (۱۳۸۴). «بررسی عوامل مؤثر در تعرض به پلیس». مجله دانش انتظامی، شماره بیست و هفتم.
- دلاور، علی (۱۳۸۳). «روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی». تهران: نشر ویرایش.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۷). «لغت نامه دهخدا». تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شاکری و رستگاری (۱۳۹۳). «بررسی جرم تمرد در حقوق ایران در مقایسه با حقوق آمریکا و انگلیس». مجله دانش انتظامی، شماره ۴.
- عامری، محمدعلی (۱۳۹۴). «عوامل سازمانی مؤثر بر کاهش تلفات انسانی در ناجا». (طرح پژوهشی)، دفتر تحقیقات کاربردی معاونت نیروی انسانی ناجا.
- عارفی نیا، جواد (۱۳۹۰). «علل اعمال خشونت علیه مأموران پلیس و راهکارهای پیشگیری از آن». (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تهران.
- کی نیا، مهدی (۱۳۸۲). «مبانی جرم شناسی». تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۹۱). «تحلیل جامعه شناختی قانون گریزی و راهکارهایی برای قانون گرای و نظم عمومی». فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۱۷ پیاپی.
- محسنی، محمدحسین (۱۳۸۴). «تمرد در حقوق کیفری ایران». (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه مازندران.
- معین، محمد (۱۳۸۸). «فرهنگ معین». تهران: انتشارات زرین.
- میرزایی فدافنی، محمد (۱۳۷۷). «تمرد در حقوق کیفری ایران». (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تربیت مدرس.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳). «تقریرات درس جرم شناسی». دانشگاه شهید بهشتی.
- Baron, Robert, and Donn Byren (۱۹۹۴). *Social Psychology: Understanding Human Interaction*. Allyn and Bacon

- Brehm, Sharon S. and Saul M. Kassin Paul. (۱۹۹۳). Social Psychology. Houghton Mifflin Company.
- Gillham. B. (۲۰۰۰). The Research Interview. London. Rautledge.
- Myers, David G. (۱۹۹۴). Exploring Social Psychology. McGraw-Hill, Inc.

Archive of SID